

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# روان شناسی دین

از دیدگاه ویلیام جیمز

دکتر مسعود آذربایجانی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
زمستان ۱۳۹۴

آذربایجان، مسعود، ۱۳۴۲- .  
روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز / مسعود آذربایجان. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،  
۱۳۸۶.

هشت، ۳۲۸ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۳۰: روان‌شناسی؛ ۱۴)  
بها: ۴۲۵۰۰ ریال  
ISBN: 978-964-7788-77-9

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه: ص. [۲۹۵]-۳۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.

۱. جیمز، ویلیام، ۱۸۴۳-۱۹۱۰م. - نقد و تفسیر. ۲. روان‌شناسی مذهبی. الف. پژوهشگاه حوزه و  
دانشگاه. ب. عنوان.

۲۰۰/۱۹

BF ۵۱ / آ ۴ ر ۹

۱۱۴۷۰۴۶

شماره کتابشناسی ملی



روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز

مؤلف: دکتر مسعود آذربایجان

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۳۰؛ روان‌شناسی: ۱۴)

ویراستار: امیر بهرام پور

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سوم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ اول: تابستان ۱۳۹۰)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قسم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☐ تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰ ☐ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو ☐ تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

اثر حاضر به عنوان منبع علمی در حوزه فلسفه دین و روان‌شناسی دین برای رشته‌های فلسفه، الهیات و روان‌شناسی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه قابل استفاده است. از استادان، دانش‌پژوهان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با انتقادات و پیشنهادهای خود، این پژوهشگاه را در بالا بردن سطح علمی پژوهش و عرضه هر چه بهتر کتاب‌ها و آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی و علمی یاری دهند. در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم حجت‌الاسلام دکتر مسعود آذربایجانی و مشاوران طرح آقایان دکتر محمد لگن‌هاوسن، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد غروی و دکتر مصطفی ملکیان سپاسگزاری نماید.

## فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	بیان مسئله و پرسش‌های اصلی
۲.....	اهمیت موضوع
۳.....	تعریف روان‌شناسی دین
۴.....	تاریخچه روان‌شناسی دین
۵.....	سنت انگلیسی - آمریکایی
۶.....	سنت آلمانی
۸.....	سنت فرانسوی
۱۱.....	چشم‌اندازهای تفسیری
۱۵.....	زندگی‌نامه ویلیام جیمز
۱۶.....	آثار
۱۸.....	کتاب‌انواع تجربه دینی
۲۲.....	مبانی فکری و نظری جیمز
۲۲.....	۱. علایق دینی
۲۴.....	۲. پراگماتیسم
۲۷.....	۳. تجربه‌گرایی اساسی
۲۹.....	روش‌شناسی
۳۴.....	ساختار
۳۷.....	فصل اول: چیستی دین و دینداری
۳۸.....	واژه‌شناسی دین

۳۹	آیا دین تعریف پذیر است؟
۴۱	راه حل های ممکن
۵۱	دیدگاه ویلیام جیمز
۵۱	تعریف دین
۵۲	ملاحظات
۵۳	حیات دینی
۵۷	ملاحظات
۶۲	کثرت گرایی
۶۶	ملاحظات
۶۷	گوهر دین
۷۰	ملاحظات
۷۲	درباره خدا
۷۴	ویژگی های رهبران دینی
۷۵	ملاحظات
۷۸	نفی نگاه مادی گرایانه به دین و معنویت
۸۰	خلاصه فصل

۸۳	<b>فصل دوم: خاستگاه دین و منشأ دینداری</b>
۸۴	الف) رویکرد جامعه شناسان و مردم شناسان
۸۴	۱. آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸)
۸۶	۲. ادوارد تیلور (۱۹۱۷-۱۸۳۲)
۸۷	۳. کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)
۸۹	۴. امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷)
۹۱	ب) رویکرد روان شناسان
۹۱	۱. زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹)
۹۲	۲. کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱)
۹۴	ج) رویکرد الهیدانان و فیلسوفان
۹۴	۱. رودلف اتو (۱۸۶۹-۱۹۳۷)
۹۵	۲. میرچا الیاده (۱۹۰۷-۱۹۸۶)
۹۷	۳. استاد مرتضی مطهری (ره) (۱۲۹۹-۱۳۵۸هـ)

۱۰۰	دیدگاه ویلیام جیمز
۱۰۱	۱. داوری وجودی و داوری معنوی
۱۰۳	ملاحظات
۱۰۸	۲. نفی تبیین مادی‌گرایی و منشأ جسمانی
۱۱۱	۳. منشأ دینداری در عواطف انسانی
۱۱۴	ملاحظات
۱۲۰	۴. منشأ دینداری در ضمیر نیمه‌هشیار
۱۲۵	ملاحظات
۱۲۹	خلاصه فصل
۱۳۱	<b>فصل سوم: در باب ایمان</b>
۱۳۲	الف) ایمان در اندیشه اسلامی
۱۳۲	ایمان در قرآن
۱۳۴	تعریف فیلسوفان مسلمان از ایمان
۱۳۴	تعریف عارفان مسلمان از ایمان
۱۳۵	ب) ایمان در الهیات مسیحی
۱۳۶	۱. توماس آکویناس (۱۲۲۴-۱۲۷۴)
۱۳۹	۲. مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶)
۱۴۱	۳. بلز پاسکال (۱۶۲۳-۱۶۶۲)
۱۴۳	۴. پل تیلیش (۱۸۸۶-۱۹۶۵)
۱۴۷	۵. لودویگ ویتگنشتاین (۱۸۸۹-۱۹۵۱)
۱۵۱	دیدگاه ویلیام جیمز درباره ایمان
۱۵۱	ایمان به مثابه اراده معطوف به باور
۱۵۸	ملاحظات
۱۷۳	خلاصه فصل
۱۷۵	<b>فصل چهارم: تجربه دینی</b>
۱۷۷	چیستی تجربه دینی
۱۸۵	نظریه‌ها و دیدگاه‌ها
۱۹۲	دیدگاه جیمز در تجربه دینی

۱۹۳	چیستی تجربه دینی از نگاه جیمز
۱۹۹	ملاحظات
۲۰۲	چرا تجربه دینی توصیف‌نشده است؟
۲۱۰	انواع تجربه دینی (نردبان عرفان) از نگاه جیمز
۲۱۸	ملاحظات
۲۲۱	تبیین تجربه دینی از دیدگاه جیمز
۲۲۵	ملاحظات
۲۳۹	خلاصه فصل
۲۴۱	فصل پنجم: آثار دینداری
۲۴۴	آثار دینداری از دیدگاه جیمز
۲۴۷	الف) زهد
۲۴۷	ب) قوت قلب
۲۴۷	ج) خلوص
۲۴۷	د) مهرورزی
۲۴۸	آثار معنوی
۲۴۹	نماز و نیایش
۲۵۱	لذت‌های معنوی
۲۵۲	تولد دوباره
۲۵۴	آثار اخلاقی
۲۵۸	آثار شناختی (معرفتی)
۲۶۱	آثار عاطفی - هیجانی
۲۶۶	سلامت و بهداشت روانی
۲۷۰	انسجام شخصیت و یک‌پارچگی هویت
۲۷۶	ملاحظات
۲۸۶	خلاصه فصل
۲۸۷	خاتمه: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۹۵	فهرست منابع
۳۰۵	نمایه‌ها



## مقدمه

چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را  
که کس آهوی وحشی را از این خوش تر نمی‌گیرد

در این جهان، مدعیان فراوانی وجود دارند که از مردم می‌خواهند به سخنانشان گوش فرادهند و به ایشان بگروند. برخی صاحبان مکاتبی هستند که آرای خاصی دربارهٔ جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و... دارند و کمابیش مریدانی به دور خود گرد آورده‌اند. فلاسفه، عرفا، دانشمندان، و پیامبران راستین و دروغین، همه در این طیف قرار می‌گیرند. انسان‌ها معمولاً به خود زحمت نمی‌دهند که این مکاتب را یک به یک بررسی کنند و مدعیات آنها را به عیار نقد گیرند و نیک و بد و حق و باطل آنها را بسنجند و سپس از آن میان، فکری را برگزینند. بی‌تردید هیچ‌کس نیست که خود را ملزم بدانند به دعوت همهٔ این مدعیان اعتنا کند و همهٔ ادلهٔ ایشان را تحلیل کرده و سرانجام یکی را بپذیرد، اما در این میان، رویکرد به دعوت انبیا به گونه‌ای دیگر است و اعتنا و اهتمام به پیام ایشان قرین توجه بیشتر به تعبیر دیگر، دین و دینداری متاعی است که بازار آن در میان آدمیان گرمای بیشتر داشته و دل‌های بیشتری را صید کرده است، حال رمز و راز آن چیست؟ ارباب معرفت از اهل عرفان و اصحاب فلسفه و طلاب مدرسه، هر یک درگشودن این سرّ سر به مهر، تلاشی وافر و جهدی بلیغ نموده و هر یک به فراخور حال و مقال، درهایی را گشوده‌اند، اما شاید بتوان گفت، کشف و کاوش در این عرصه نیازمند علمی است که از یک سو، سر در جیب آدمیان داشته باشد و احوال و اطوار ایشان را بازجوید و از دیگر سو، دستی در آستان دین دراز کند و منقولات و محتویات دینی را بیازماید. این بیان ما را به «روان‌شناسی دین»<sup>۱</sup> نزدیک می‌کند.

### بیان مسئله و پرسش‌های اصلی

در این پژوهش برآنیم روان‌شناسی دین را از منظر ویلیام جیمز، کند و کاو کنیم و دیدگاه‌های وی را گزارش و مورد تحلیل و نقد قرار دهیم، بنابراین، پرسش‌های اصلی این مقاله عبارت‌اند از: ماهیت دین و دینداری از دیدگاه ویلیام جیمز چیست؟ دیدگاه جیمز در مورد منشأ، زمینه‌ها و عوامل دینداری کدام است؟ ایمان دینی از منظر جیمز، چگونه تبیین‌پذیر است؟ تجربه دینی از نگاه جیمز چیست و چگونه قابل تبیین است؟ پیامدها و آثار دینداری در نگاه جیمز کدام‌اند؟ در هر یک از موارد فوق، چه ملاحظاتی طرح‌پذیر است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، در مقدمه مباحثی، مانند اهمیت بحث، تعریف روان‌شناسی دین، تاریخچه روان‌شناسی دین و سرانجام زندگی‌نامه و روش‌شناسی ویلیام جیمز (با نگاهی به آثار و اشاره‌ای به مبانی نظری)، ساختار پایان‌نامه بیان می‌شود و سپس در پنج فصل، عناوین چستی دین و دینداری، منشأ و خاستگاه دینداری در باب ایمان، تجربه دینی و پیامدهای دینداری را از دیدگاه جیمز پی خواهیم گرفت.

### اهمیت موضوع

روان‌شناسی دین از عرصه‌های میان رشته‌ای است که به جهت بررسی نظریه‌های روان‌شناسان درباره‌ی توصیف و تبیین دینداری، اهمیت و ضرورت می‌یابد. در این میان، دیدگاه‌های ویلیام جیمز که از بنیان‌گذاران مباحث روان‌شناسی دین، به‌ویژه تجربه دینی است، ارزش مضاعف می‌یابد. ویلیام جیمز افزون بر آنکه نگرش مثبتی به دین و دفاع از دین داشته، نگاه عینی و تجربی به پدیده‌های دینی، مطالعه‌های موردی بسیار زیاد و مستند تجربه‌های دینی (تقریباً کتاب انواع تجربه دینی جیمز یک منبع اصلی برای همه فیلسوفان و روان‌شناسان دین است که به گونه‌ای تجربه دینی را مورد بحث و نظر قرار داده‌اند)، تحلیل‌های روان‌شناختی وی از دین، نگاه‌های عمل‌گرایانه (پراگماتیستی) به دینداری و توجه به آثار دینداری و...؛ همه اینها موجب می‌شود این تحقیق، جایگاه ممتازی از جهت موضوع بیابد، به‌ویژه آنکه شخصیت جیمز در میان فیلسوفان و روان‌شناسان، از موقعیت قابل توجهی برخوردار است و حتی مورد عنایت و توجه اندیشمندان ما نیز بوده است (برای نمونه استاد شهید مطهری بیش از سی مورد در آثار خود، به مطالب جیمز استناد داده است،

از جمله: نبوت / ص ۲۶ و ۷۳؛ انسان و ایمان / ص ۳۶، انسان در قرآن / ص ۲۱، عدل الهی / ص ۷۹، امدادهای غیبی در زندگی بشر / ص ۳۰، سیری در نهج البلاغه / ص ۳۰۴، فلسفه اخلاق / ص ۱۸۰ و ۲۰۴، نظام حقوق زن در اسلام / ص ۴۷، آشنایی با قرآن، ج دوم / ص ۳۷). با همه این احوال در این مرز و بوم و به زبان فارسی در زمینه روان‌شناسی دین به طور عام (به جز محدود کتاب‌های ترجمه شده) و در خصوص روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جمیز (به استثنای یک کتاب ترجمه ناقص)، هیچ‌گونه آثار قابل اعتنایی نداریم.

### تعریف روان‌شناسی دین

روان‌شناسی دین، به بررسی پدیده دینداری از منظر روان‌شناختی می‌پردازد و درصدد توصیف و تبیین زمینه‌ها و عوامل دینداری، تجزیه و تحلیل دینداری، سنجش دینداری و بیان آثار و پیامدهای دینداری در حیات فردی و اجتماعی است. کالینز<sup>۱</sup> معتقد است احتمالاً تعریفی بهتر از تعریف تاولس<sup>۲</sup>، استاد دانشگاه کمبریج، وجود ندارد. به نظر تاولس، مطالعه روان‌شناختی درباره دین درصدد «درک رفتار دینی از طریق به کار بستن اصول روان‌شناختی‌ای است که از مطالعه رفتار غیر دینی به دست آمده‌اند»... در این تعریف از میان موضوعات مورد بررسی این رشته، تنها از رفتار دینی، نامی به میان آمده است و شاید به همین دلیل باشد که خود کالینز هم پس از بیان این تعریف، یادآور می‌شود که از روش‌های روان‌شناختی در این رشته، به این دلیل استفاده می‌شود که نه تنها رفتار دینی که افزون بر آن، نگرش‌ها، ارزش‌ها و تجارب افرادی را بررسی کنند که به وجود و تأثیر خداوند یا دیگر نیروهای ماورای طبیعی باور دارند (گراید<sup>۳</sup> و نمروف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۳۹۲). این کاستی، در تعریف پالوتزیان<sup>۵</sup> به چشم نمی‌خورد، او می‌نویسد: «روان‌شناسی دین، گستره‌ای است که به مطالعه باورها و اعمال دینی از دیدگاه روان‌شناختی می‌پردازد. این بدان معنا است که در اینجا هدف، درک فرایندهای روان‌شناختی است که رفتارها و تجارب دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ما در این گستره تلاش می‌کنیم آثار چندگانه محیطی، شخصی و اجتماعی

1. Colins, G. R.

2. Thouless, R. H.

3. Grighead, W. E.

4. Nemeroff, C. B.

5. Paloutzian, R. E.

مؤثر بر رفتار و تجربه دینی را مدّ نظر قرار دهیم و به ترسیم نظریات و پژوهش‌هایی بپردازیم که امکان آشکارسازی فرایندهای روان‌شناختی میانجی در دینداری را فراهم می‌کنند» (پالوتزیان، ۱۹۹۶، ص ۲۸ و ۲۹). ولف<sup>۱</sup> نیز تعریف نسبتاً جامعی ارائه کرده است: «روان‌شناسی دین به معنای دقیق کلمه عبارت است از: «استفاده نظامدار از نظریه‌ها و روش‌های روان‌شناختی در زمینه محتوای سنت‌های دینی، تجارب، نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با آن سنت‌ها از سوی افراد» (ولف، ۲۰۰۱، ص ۱۵).

واژه روان‌شناسی نیز اگرچه براساس مکاتب گوناگون روان‌شناختی متفاوت است، ولی تقریباً می‌توان تعریف زیر را مورد قبول دانست: «مطالعه علمی رفتار و فرایندهای روانی» (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۵). بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت: روان‌شناسی دین عبارت است از مطالعه علمی رفتارها و فرایندهای روانی که صبغه دینی دارند.

### تاریخچه روان‌شناسی دین

هر چند تاریخچه رسمی پیدایش روان‌شناسی دین به اواخر قرن نوزدهم - تقریباً مقارن ایجاد روان‌شناسی علمی - می‌رسد اما تأملات روان‌شناختی درباره دینداری انسان، سابقه‌ای دیرینه دارد. این تأملات گاهی جنبه توصیفی دارند، همانند کتاب‌های مقدس ادیان بزرگ و نیز کتاب‌های دینی‌ای که برای تربیت معنوی تدوین شده‌اند، نظیر کتاب اعترافات<sup>۲</sup> آگوستین قدیس،<sup>۳</sup> مثنوی مولوی و احیاء علوم‌الدین غزالی و نوشته‌های برخی فیلسوفان و متألهان، مانند جانانان ادواردز<sup>۴</sup> (۱۷۰۳-۱۷۵۸)، فردریش شلایرماخر<sup>۵</sup> (۱۷۶۸-۱۸۳۴) و سورن کیرکگور<sup>۶</sup> (۱۸۱۳-۱۸۵۵). گاهی نیز این تأملات به تبیین پیدایش دین مربوط می‌شود، ردّ پای این جنبه دوم را دست‌کم در سه قرن پیش از میلاد می‌توان یافت. در این دوران، فیلسوفی یونانی به نام ائوهروس<sup>۷</sup> (۳۳۰-۲۶۰ پیش از میلاد) معتقد بود که خدایان، همان حاکمان یا ولی نعمتان نوع بشرند که مردم به تدریج لباس الوهیت بر تن آنان پوشانده‌اند

1. Wulff, D. M.

2. Confessions

3. Confessions

4. Edwards, J.

5. Schleiermacher, F.

6. Edwards, J.

7. Euhemerus

(ولف،<sup>۱</sup> ۱۹۹۱، ص ۵). او ادعا می‌کرد که همه خدایان، در اصل زنان و مردان برجسته روزگار خویش بوده‌اند که به هنگام حیات، تکریم و پس از مرگ، پرستش شده‌اند (شارپ،<sup>۲</sup> ۱۹۸۶، ج ۹، ص ۱۷۳).

در دوره جدید، پیشینه روان‌شناسی دین را به طور عمده در سه سنت انگلیسی-آمریکایی، آلمانی و فرانسوی قابل پی‌گیری می‌یابیم، هر چند امروزه تلاش‌های علمی در این عرصه، به این سه سنت محدود نمی‌شود و حتی در کشورهایی مانند روسیه و هند، مطالعات جدی در این زمینه ادامه دارد، اما مناسب‌تر این است که تاریخچه روان‌شناسی دین را در این سه سنت فکری، با نگاهی به مهم‌ترین اندیشمندان آنها دنبال کنیم تا جایگاه ویلیام جیمز در روان‌شناسی دین نیز بهتر روشن شود.

### سنت انگلیسی - آمریکایی

رویکرد تجربی و حتی آزمایشگاهی به دین و نگاه توصیفی در مطالعات دینی، مهم‌ترین ویژگی این سنت است. گالتون<sup>۳</sup> (۱۸۲۲-۱۹۲۱) دانشمند انگلیسی، بنیان‌گذار روان‌شناسی تفاوت‌های فردی است و نخستین کسی است که از روش آماری هم‌بستگی در این زمینه استفاده کرد. مهم‌ترین پژوهش وی، تحقیق در باب کارایی عینی دعا و نیایش است. وی براساس نتایج پژوهش، معتقد است که داشتن زندگی همراه با دعا و نیایش و نیز هدف دعای دیگران قرار گرفتن، با برخورداری از منافع عینی قابل مشاهده - در برابر آثار مثبت باطنی که می‌پذیرد - هم‌بستگی ندارد. استنلی هال<sup>۴</sup> (۱۸۴۴-۱۹۲۴) از بنیان‌گذاران روان‌شناسی دین در آمریکا است. وی برای این منظور، دانشکده روان‌شناسی دین در دانشگاه کلارک را تأسیس کرد (ولف، ۱۹۹۱، ص ۸-۱۰). جیمز لوبا<sup>۵</sup> و ادوین استاربوک<sup>۶</sup> نیز از شاگردان برجسته هال هستند که بر مطالعه تجربه‌هایی، چون ایمان‌آوری،<sup>۷</sup> دعا و حالات

1. Wulff, M.

2. Sharpe, E. J.

3. Galton, F.

4. Hall, G. S.

5. Leuba, J. H.

6. Starbuck, E. D.

۷. Conversion؛ این واژه در زبان فارسی، معادل‌هایی چون نوکیشی، تغییر دین، نوگروی و ایمان‌آوری دارد. در گفت‌وگویی که با آقای دکتر لگنهاوسن داشتم با توجه به آنکه در فرهنگ انگلیسی، این واژه بر معانی توبه، تحول ایمانی و مانند آن اطلاق می‌شود، به نظر می‌رسد «ایمان‌آوری» مناسب‌تر است.

عرفانی با کاربرد روش‌های پرسش‌نامه، مصاحبه شخصی، زندگی‌نامه‌های خودنوشت و دیگر روش‌های تجربی که قابل تجزیه و تحلیل، رده‌بندی و سنجش آماری‌اند، تأکید داشتند. او منشأ، رشد و نقش مفاهیم کلیدی دین را در روح انسان مطالعه کرد و رد پای باور را تا دو منشأ عمده دنبال نمود، نخست شیفتگی ذهن انسان به تبیین‌های علی و دوم نیاز به حفظ تعادل روحی در بحبوحه تنازعات حیات. او معتقد بود سرانجام، علم برتری خود را در هر زمینه بر دین اثبات خواهد کرد. جرج کو<sup>۱</sup> کاربرد گونه‌شناسی خلق و خو در تجزیه و تحلیل رویکرد به دین و ایمان‌آوری را دنبال کرد. ویلیام جیمز<sup>۲</sup> (۱۸۴۲-۱۹۱۰) شناخته‌شده‌ترین روان‌شناس در گرایش توصیفی به دین است که بعداً به تفصیل درباره آرای وی سخن خواهیم گفت. جیمز پرت<sup>۳</sup> از شاگردان ویلیام جیمز است که پایان‌نامه دکترای خود را زیر نظر وی، درباره روان‌شناسی دین به پایان رساند. پرت در کتاب «آگاهی دینی»<sup>۴</sup> (۱۹۲۰) مطالعه‌ای صرفاً توصیفی از مجموعه‌ای از جلوه‌های دینی ارائه کرده که جیمز به دلیل برجستگی کمتر و عمومی بودن، از آنها صرف نظر کرده بود (ولف، ۱۹۹۱، ص ۱۱-۱۲). یکی از اهداف این سنت را می‌توان هماهنگ ساختن دین با برداشت‌های قرن بیستمی و کمک به جامعه‌ای بدانیم که عمیقاً از تغییرات سرنوشت‌ساز و خردکننده ناشی از صنعتی شدن برآشفته بود؛ به‌ویژه استنلی هال به این نتیجه رسید که هدف دین، ارتباط با یک حوزه فراتجربی نیست، بلکه هدف آن ایجاد سازگاری در قلمرو زندگی بشری است، وی در آخرین اثرش در این حوزه، یعنی عیسی مسیح در پرتو روان‌شناسی<sup>۵</sup> (۱۹۱۷) در پی آن بود که دیگران را در مورد این دیدگاه انسان‌گرایانه متقاعد نماید (ولف، ۲۰۰۱، ص ۱۶).

### سنت آلمانی

روان‌شناسی دین در آلمان بیشتر زمینه کار و قلمرو بحث فیلسوفان و عالمان الهیات بود، رویکرد تبیینی و انتقادی به دین نیز غلبه بیشتری داشته است. ویلهلم وونت<sup>۶</sup> (۱۸۳۲-۱۹۲۰) بنیان‌گذار روان‌شناسی تجربی است و اگرچه در درون‌نگری کنترل شده تجربی پیش‌گام بود،

1. Coe, G.

2. James, W.

3. Pratt, J.

4. The Religious Consciousness

5. Jesus, the Christ, in the Light of Psychology

6. Wundt, W.

اما اعتقاد داشت فرایندهای عالی تر روانی را که در نهادهای فرهنگی ای نظیر زبان، اسطوره و دین عینیت می‌یابند، تنها با استفاده از روان‌شناسی عامه<sup>۱</sup> می‌توان درک کرد. وونت فنون روان‌شناسی فردی مورد استفاده امریکایی‌ها را برای روان‌شناسی دین غیر مفید می‌دانست، از افرادی که تصادفی انتخاب شده‌اند، حداکثر می‌توان اعتراف رسمی به ایمان یا گزارش رسمی از دینداری را به دست آورد؛ همچنین از موارد استثنایی همانند روش جیمز، چیزی جز موردپژوهی مربوط به آسیب‌شناسی دینی نمی‌توان کسب نمود. به نظر وی هیچ‌کدام از این دو روش، بافت دینی ایمان فرد را به حساب نمی‌آورد.... وونت متذکر می‌شود که دین عبارت از این احساس است که دنیای ما بخش و جزئی از دنیای بزرگ‌تر و فوق طبیعی است که در آن اهداف والاتر، تلاش انسانی به ثمر می‌نشیند و تحقق می‌یابد (همان، ص ۱۴). فروید<sup>۲</sup> (۱۸۵۶-۱۹۳۹) هر چند دین را «توهم»، «نوروز جهان شمول» و «مخدر» می‌نامید و امیدوار بود که نوع بشر بتواند بر آن چیره شود، اما به تحقیق درباره رفتار دینی علاقه‌مند بوده و چندین مقاله و سه کتاب عمده<sup>۳</sup> درباره آن نوشته است. فروید به «مکتب روان تحلیل‌گری»<sup>۴</sup> متعلق است که به مطالعه پدیده ناهشیار می‌پردازد و گاهی از آن با عنوان «روان‌شناسی عمقی»<sup>۵</sup> یاد می‌شود. یونگ،<sup>۶</sup> آدلر<sup>۷</sup> و دیگر هواداران مکتب روان تحلیل‌گری، مطالعات درباره دین را ادامه داده و اغلب [برخلاف فروید] ارزش روان‌شناختی باورهای دینی را پذیرفته‌اند (کراید و نمروف، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۳۹۲). یونگ برخلاف فروید، به خاطر توجه جدی و همه جانبه و پاینده‌اش به روان‌شناسی پدیدارهای دینی، ممتاز است. تعلق خاطر یونگ به دین، اسطوره و سنن باطنی و ارزیابی مثبت وی از دین به عنوان نمایانگر ابعاد روح، به نحوی عمیق‌تر و جامع‌تر از سائق جنسی (که فروید محور روح بشر می‌انگاشت)، نقطه جدایی وی از فروید می‌باشد (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۶۴). از دیدگاه یونگ، دین در ناهشیار جمعی انسان قرار دارد و خدا در روان انسان، معنای زندگی را برای وی تأمین می‌کند (یونگ، ۱۳۷۱، ص ۳۴۸). مجموعه آثار وی به زبان انگلیسی، بالغ بر بیست مجلد می‌شود، اما شاید درباره دین بیش از هر موضوعی سخن گفته است که برخی

1. Folk Psychology

2. Fruied, S.

۳. کتابهای آینده یک پندار، توتم و تابو و موسی و یکتاپرستی که هر سه به فارسی ترجمه شده‌است.

4. Psychoanalyses

5. Depth Psychology

6. Jung, C. G.

7. Adler, A.

از مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: روان‌شناسی و دین (۱۹۳۸)، ترجمه فؤاد روحانی (۱۳۷۰)، روان‌شناسی و کیمیاگری (۱۹۴۴)، ترجمه پروین فرامرزی (۱۳۷۳)، پاسخ به ایوب (۱۹۵۲)، ترجمه فؤاد روحانی (۱۳۷۷)، چهار صورت مثالی مادر، ولادت مجدد، روح و مکار (۱۹۷۲)، ترجمه پروین فرامرزی (۱۳۶۸) و ایون (۱۹۵۱) که به بررسی شخصیت مسیح (ع) از بُعد روان‌شناسی می‌پردازد. ویکتور فرانکل<sup>۱</sup> به خاطر «معنادرمانی»<sup>۲</sup> که رویکرد و رهیافت دینی دارد، از برجسته‌ترین شاگردان آدلر است. معنا درمانی، بسیاری از اندیشه‌ها و روش‌های مربوط به روان‌پزشکی اگزیستانسیالیستی را گرد آورده است. کسانی که روان‌شناسی را هم‌سو و مدد رسان اهداف روحانی دین رسمی می‌انگارند، با شور و شوق بسیاری از نظریه‌های فرانکل استقبال کرده‌اند (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۲۶۷).

شلایرماخر، رودلف اتو<sup>۳</sup> و فردریش هیلر<sup>۴</sup> از جمله فیلسوفان و متألهانی هستند که در سنت آلمانی روان‌شناسی دین قرار می‌گیرند. اتو در کتاب «مفهوم امر قدسی» بر این عقیده بود که هسته اصلی دین، تجربه عاطفی غیر عقلانی از امر قدسی است (آرگیل، ۲۰۰۰، ص ۴۶).

### سنت فرانسوی

عمده مساعادت دانشمندان فرانسوی در زمینه روان‌شناسی دین، آثاری است که در حیطه روان‌شناسی مرضی عرضه کرده‌اند، اگرچه علاقه به بحث درباره ارتباط بیماری روانی با دینداری، در دو سنت عمده دیگر نیز وجود داشته است، اما در فرانسه، برخی از بزرگ‌ترین آسیب‌شناسان قرن نوزدهم، توجه مستمری به این موضوع نشان داده‌اند. ژان مارتین شارکو<sup>۵</sup> (۱۸۲۵-۱۸۹۳) اعتقاد داشت جن‌زدگی چیزی جز نوع خاصی از هیستری<sup>۶</sup> نیست؛ همچنین قائل بود که شفای دینی را می‌توان از راه تلقین به خود و سرایت ویژگی‌های روانی در گروه تبیین کرد. پیرژانه<sup>۷</sup> از شاگردان برجسته شارکو است که مورد پژوهی‌هایش درباره حالت‌های استثنایی دینی بسیار شناخته شده است. وی درباره یکی از بیمارانش به نام

1. Frankle, V.

2. Logotherapy

3. Otto, R.

4. Heiler, F.

5. Charcot, J. M.

6. Hysteria

7. Janet, P.



«مادلین»،<sup>۱</sup> که حالات شبه عرفانی داشت به این نتیجه رسید که در پس حالات متغیر عرفانی، اختلال «ضعف روانی»<sup>۲</sup> قرار دارد که امروزه به نام اختلال وسواس فکری-عملی<sup>۳</sup> معروف است. تئودور فلورنو<sup>۴</sup> (۱۸۵۴-۱۹۲۰) مطالعات گستره‌ای دربارهٔ احضار ارواح داشت و این موضوع به فهم روبه رشد فعالیت ضمیر ناهشیار بسیار کمک کرد. وی قائل به اصل «برون داشت امور متعالی»<sup>۵</sup> است؛ یعنی روان‌شناسان دین باید نسبت به وجود مستقل موضوعات دینی که امری فلسفی و خارج از حیطه صلاحیت آنان است، نه موضع انکار بگیرند و نه موضع تأیید. ژرژ برژه<sup>۶</sup> (۱۸۷۳-۱۹۴۵)، دوست صمیمی فلورنو نیز معتقد است پدیدهٔ دینی دارای دو جنبهٔ متناظر است: حالت روان‌شناختی و معنای عینی. برژه معتقد است که هیچ‌کدام از این دو قابل تحویل و فروکاهش به دیگری نیست. به نظر او روان‌شناسی دین تنها صلاحیت پرداختن به اولین جنبه را دارد و بنابراین نمی‌تواند پدیدهٔ دینی را به طور کامل تفسیر کند. به تفسیر روان‌شناختی، باید الهیات ایمانی و تکلیف اخلاقی نیز افزوده شود.

ژان پیازه<sup>۷</sup> (۱۸۹۶-۱۹۸۰) در نوشته‌های خود دربارهٔ نگرش‌های دینی، دو نوع نگرش بنیادین را از هم جدا می‌کند: نگرش متعالی (ماورایی) و نگرش حضور همه‌جایی خداوند. در نگرش اول خداوند متعال، خدای علل و فراتر از درک و فهم ماست. در مقابل خدای همه‌جا حاضر نه خدای علت‌ها که خدای ارزش‌ها و نیز خدایی است در درون ما نه خارج از جهان. پیازه با استناد به تحقیقات گروه زیر نظر خود، معتقد است که انسان‌ها به سبب نوع ارتباطاتی که با والدین خود داشته‌اند، به یکی از این دو نگرش، گرایش دارند... (ولف، ۱۹۹۱، ص ۲۱-۲۸ نقل به اختصار).

روان‌شناسی دین پس از یک دورهٔ اقبال، رو به افول گرایید و به اعتقاد گورساک<sup>۸</sup> دههٔ ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ را شامل می‌شود. در این دوره، مطالعه مهمی در زمینهٔ روان‌شناسی دین صورت نگرفته است. با ظهور مکتب رفتاری‌نگری، روان‌شناسی دین به عنوان یک رشتهٔ تحقیقی برای روان‌شناسان از صفحهٔ روزگار محو شد. رفتاری‌نگری با منطق ساده و فریبنده

1. Madeleine

3. Obsessive-Compulsive

5. Exclusion of transcendent

7. Piajet, J.

2. Psychasthenia

4. Flournoy, T.

6. Berguer, G.

8. Gorsuch, R.

خود، روان‌شناسی را از راه به در کرد و از مطالعه موضوعات پیچیده‌ای نظیر آثار باورها، رشد و تحول اخلاقی و دلایل انجام دادن رفتار دینی بازداشت. در این مدت، معدود مؤلفان روان‌شناسی (از جمله آلپورت،<sup>۱</sup> مزلو،<sup>۲</sup> اریک فروم<sup>۳</sup> و آش<sup>۴</sup>) کتاب‌ها یا مقالاتی درباره رفتار دینی نوشتند و همین امر سبب شد حداقل علاقه به این رشته باقی بماند (کراید و نمروف، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۳۹۲). باید اضافه کرد کمبود متخصصان در این حوزه، فقدان جایگاه آکادمیک، تأثیرات شدید سقوط اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۳۰ و نیز اوج گرفتن سوسیالیسم ملی و ویرانی‌های عظیم ناشی از جنگ جهانی دوم از جمله عواملی است که روشن می‌کند چرا روان‌شناسی دین که همیشه از یک جایگاه حاشیه‌ای برخوردار بوده است، به سرعت رو به افول گذارد (ولف، ۲۰۰۱، ص ۲۰).

البته دوران بی‌مهری دوامی نیافت، امروزه مجلات متعدد و معتبری در زمینه روان‌شناسی دین منتشر می‌شود و حتی انجمن روان‌شناسی آمریکا، بخش ۳۶ خود را به آن اختصاص داده است... در حال حاضر، از جهت جغرافیایی و زبان آثار در این زمینه بسیار گسترده و متنوع شده‌اند؛ به‌ویژه با توجه به کارهایی که در اسکانندیناوی، هلند و دیگر کشورهای اروپایی انجام می‌شود، دیگر نمی‌توان فعالیت‌های مربوط به این رشته را در آن سه سنت عمده منحصر دانست، حتی با توجه به مساعدت‌های مهمی که دانشمندان و محققان هندی و ژاپنی به این رشته کرده‌اند، باید بپذیریم که روان‌شناسی دین، دیگر علمی غربی نیست (ولف، ۱۹۹۱، ص ۳۰-۳۱). یکی از عوامل اصلی این شکوفایی مجدد، کارهای گوردون آلپورت بود. اقبال وی به این حوزه -مانند جیمز- به نحو فزاینده‌ای بر جلوه و جایگاه آن افزود. آلپورت به عنوان یک روان‌شناس شخصیت با رویکرد انسان‌گرایانه، به نقش یک‌پارچه‌کنندگی منحصر به فردی که احساسات پر شور دینی، در اشکال نپخته آن، می‌توانند در زندگی افراد ایفا نمایند، علاقه‌مند شد. وی همچنین به پیروی از آدرنو<sup>۵</sup> و همکارانش (۱۹۵۰) میان دو شکل از جهت‌گیری دینی، تمایز قائل شد. جهت‌گیری درونی<sup>۶</sup> که دین را به خودی خود هدف می‌داند و جهت‌گیری بیرونی<sup>۷</sup> که به دین به عنوان ابزاری

1. Allport, G.

2. Maslow, A. H.

3. Fromm, E.

4. Asch, S.

5. Aderno, T. W.

6. Intrinsic

7. Extrinsic

برای دستیابی به اهداف شخصی و اجتماعی نگاه می‌کند. آلپورت وراس<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) پرسش‌نامه‌ای برای سنجش این دو جهت‌گیری و تعیین ارتباط میان آنها با نگرش‌های اجتماعی مختلف ایجاد کردند. چشم‌انداز تجربی معاصر، به طور عمده به وسیله محققانی که در روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی پرورش یافته‌اند، ارتقا پیدا کرده است. حامیان رویکرد تجربی، به سبب دل‌نگرانی نسبت به کسب توجه و احترام روان‌شناسان جریان غالب - توجه به دین به عنوان یک متغیر مهم در زندگی بشر، و احترام نسبت به تحقیقات انجام گرفته از سوی روان‌شناسان دین - تلاش کرده‌اند تا جایی که ماهیت دین اجازه می‌دهد دقت علمی را لحاظ کنند (باستون، ۱۹۷۷؛ هود و همکاران ۱۹۹۶). برای تحقق این هدف، گروهی از روان‌شناسان، تحقیقات خود را در چارچوب‌های نظری خاصی که مستقل از دین ایجاد شده، اجرا نموده‌اند؛ نظیر: نظریه اسناد<sup>۲</sup> (اسپیلکا<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۸۵)، نظریه دلبستگی<sup>۴</sup> (کرک پاتریک<sup>۵</sup> ۱۹۹۲)، نظریه مقابله<sup>۶</sup> (پارگامنت<sup>۷</sup> ۱۹۹۷)، اما بیشتر محققان، کار خود را در میدان تجربه‌گرایی به پیش برده‌اند و تنها شاخص‌های دینداری را با متغیرهای جمعیت‌شناختی،<sup>۸</sup> نگرش اجتماعی<sup>۹</sup> و شخصیت<sup>۱۰</sup> ربط داده‌اند، بدون آنکه این تحقیقات از سوی فرضیه‌هایی که از دل یک نظریه بیرون آمده باشد، هدایت شوند (به نقل از ولف، ۲۰۰۱، ص ۲۱ و ۲۲).

### چشم‌اندازهای تفسیری

امروزه چشم‌اندازهای تفسیری نیز در پی معانی مضامین دینی هستند. کسانی که از راه بررسی‌های دینی به روان‌شناسی دین روی آوردند، نوعاً این حوزه را یکی از علوم مربوط به دین و نه تخصصی در چارچوب روان‌شناسی می‌دانند، به این ترتیب، آنها پیروی از رویکرد تجربی را نپذیرفتند و در عوض، یکی از چشم‌اندازهای تفسیری را برگزیدند، همان طور که ریشه‌های دیدگاه تجربی را می‌توان به دانشگاه کلارک (سنت انگلیسی - امریکایی) رساند،

1. Ross, J. M.

3. Spilka, B.

5. Kirk Patrick, L. A.

7. Pargament, K. I.

9. Social attitude

2. Attribution

4. Attachment

6. Coping

8. Demographic

10. Personality

ریشه‌های رویکرد تفسیری به جیمز و فروید در اوایل قرن بیستم برمی‌گردد، در حالی که رویکرد تجربی، اساساً روان‌شناسی افراد دیندار است، و به همین جهت بر تفاوت‌های فردی در دینداری متمرکز می‌شود. چشم‌انداز تفسیری در وهله نخست، یک روان‌شناسی مضامینی دینی است؛ از این رو، در پی یافتن معانی انگاره‌ها، اشیا، داستان‌ها و مناسکی است که در مجموع سنت‌های دینی را تشکیل می‌دهند، حتی وقتی این مضامین به زندگی افراد وارد می‌شوند، باز معانی و نه دامنه تغییرات آنها از اهمیت برخوردارند، حتی امروزه بسیاری از آثار تفسیری بر مرور، شرح و بسط و نقد دیدگاه‌های مفسران کلاسیک، به‌ویژه فروید و یونگ متمرکز شده‌اند. ویلیام جیمز نیز به عنوان سرچشمه بینش نسبت به تجارب دینی فردی و نتایج مترتب بر آن، نوعاً مطرح می‌شود (کپس<sup>۱</sup> و جاکوبز<sup>۲</sup> ۱۹۹۵؛ به نقل از همان، ص ۲۲ و ۲۳).

اگرچه دیدگاه‌های فروید در مورد دین، هنوز به وسیله محققان مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما تفاسیر او با حجم وسیعی از انتقادات روبه‌رو شده و خود بارها موضوع تحلیل‌های روان‌شناختی قرار گرفته‌اند. قالب‌بندی مبتنی بر پدرسالاری فروید از دین و رد آن از سوی وی، بر اساس تاریخچه زندگی او، ارتباطش با دنیای یهود و زمینه تاریخی گسترده‌تر زندگی‌اش مورد بررسی قرار گرفته است (از جمله والاس<sup>۳</sup> ۱۹۸۴ به نقل از همان). نظریه‌پردازان روابط شیء<sup>۴</sup> (مانند هری گانتزپ<sup>۵</sup> ۱۹۵۶ و دونالد وینیکات<sup>۶</sup> ۱۹۷۱) بر خلاف فروید، معتقد بودند با ارائه نوعی نظام ارتباطی مربوط به کل عالم و نیز نوعی نظام اعتباربخشی، نقش یک نظام روان‌درمانی را ایفا می‌نماید که با مقاومت در برابر تحریفات روان‌رنجوری، می‌تواند روابط میان فردی بهتر و رضایت‌بخش‌تری را تضمین نماید؛ افزون بر این، آنان برای مادرپیش‌ادیبی نیز نقشی برابر پدر، اگر نگوییم مهم‌تر، قائل بوده و معتقد بودند که دیگر مراقبان نیز ممکن است در شکل‌گیری احساسات دینی افراد مؤثر باشند. نظریه‌پردازان روابط شیء با نسبت دادن منشأ بسیار پیچیده‌تری به احساسات و انگاره‌های دینی (نسبت به فروید)، چارچوبی ارائه می‌نمایند که نه فقط برای فهم موارد خاص

1. Capps, D.

2. Jacobs, J. L.

3. Wallace, E. R.

4. Object relations

5. Guntrip, H.

6. Winnicott, D.

مناسب‌تر است، بلکه شمول بیشتری نسبت به سنت‌های دینی جهانی دارد (ولف، ۲۰۰۱، ص ۲۳). اریکسون<sup>۱</sup> نظریه‌پرداز روان‌شناسی من<sup>۲</sup> نیز مانند نظریه‌پردازان انگلیسی روابط شیء، خاستگاه درون‌زاد دین را در روابط نخستین مادر-کودک می‌داند؛ از این گذشته، وی برخلاف فروید معتقد بود که وجود این خاستگاه‌ها از ناپختگی دین حکایت نمی‌کند، بلکه حاکی از ارتباط دین با بنیادی‌ترین نیازها و آرزوهای نوع بشرند. اریکسون معتقد است برای هر یک از مراحل هشت‌گانه رشد، نهاد یا عنصر اجتماعی خاصی وجود دارد که در ارتباط نزدیک با چرخه زندگی انسان تکامل یافته‌اند و آماده حمایت از پدیدایی موفقیت‌آمیز و حفظ نقاط قوت ویژه آن مرحله می‌باشد. عنصر اجتماعی خاص مرحله اول (نوزادی)، دین است؛ دین از خلال دستورالعمل‌ها و مناسک خود، میراث مرحله نخست، یعنی اعتماد یا بی‌اعتمادی را گسترش داده و اولین و اساسی‌ترین مزیت آن یعنی امید و شکل پخته آن یعنی ایمان را تثبیت می‌کند، اما این همه داستان نیست؛ زیرا آیین‌های دینی از کسب خرد، یعنی مزیت محوری مرحله آخر (سال‌مندی) نیز حمایت می‌کنند.

کارل گوستاو یونگ<sup>۳</sup> به عنوان یکی از روان‌شناسان عمق‌نگر، کار خود را با مفروضات متفاوتی آغاز کرد. به نظر وی، دین عمیقاً برگرایش‌های ذاتی بشر مبتنی است. براساس فرضیه یونگ، در زیربنای ناهشیار فردی که برای روان تحلیل‌گران، موضوعی شناخته شده است، یک ناحیه بنیادی‌تر، با عنوان ناهشیار جمعی وجود دارد که عناصر ساختاری آن، یعنی صورت‌های ازلی (کهن‌الگوها)،<sup>۴</sup> محتوی صورت‌ها و الگوهای تجارب نسل‌های بی‌شمار بشری و اجداد پیش انسانی آنها است.

یونگ معتقد است این صورت‌های ازلی، ما را برمی‌انگیزد تا تجارب پیشین خود را تکرار کنیم و آنها را در قالب انگاره‌ها و اندیشه‌های عرفانی گوناگون، بازنمایی و حفظ نماییم؛ از این گذشته، در ناهشیار جمعی، گرایش بنیادین به سوی تمایز یافتگی تدریجی محتوای آن و تلفیق آن در هشیاری وجود دارد، یونگ این فرایند مادام‌العمر را تلاش در جهت تعادل روانی و تمامیت‌تفرد<sup>۵</sup> نامید. یونگ (۱۹۶۹) می‌گوید: در طول تاریخ این

---

1. Erikson, E.

2. Ego Psychology

3. Jung, C. G.

4. Archetype

5. Individuation

سنت‌های دینی بوده‌اند که بیش از هر عاملی، تحقق خود (کهن الگوی تمامیت)، که عمدتاً با انگاره‌های مرتبط با الوهیت نمادسازی شده را آسان کرده‌اند. از زمان یونگ به بعد، روان‌شناسی تحلیلی، ارزش خود را به اثبات رسانده است. این روان‌شناسی، ابزاری برای کاوش تاریخ ادیان، تفسیر مجموعه وسیعی از نهادها، مناسک و تجارب در چارچوب ادیان شرقی و غرب بوده است؛ افزون بر آن، خود موضوعی برای ارزیابی‌های انتقادی فراوان بوده است (ولف، ۲۰۰۱، ص ۲۴ و ۲۵).

روان‌شناسان انسان‌گرا نیز مانند آلپورت (قبلاً اشاره شد)، اریک فروم (۱۹۵۰) و آبراهام مزلو (۱۹۶۴)، اصل موضوع یونگ مبنی بر فرایند تحقق خود<sup>۱</sup> را بازگو و دنبال نمودند و هر یک سنخ‌های شخصیتی متفاوتی را به‌ویژه در رویارویی با دین ارائه کردند (ر.ک: ولف، ۱۹۹۱، فصل ۱۲).

روان‌شناسی‌های تفسیری دین، مانند رویکردی‌های تجربی، معمولاً با صراحت بیشتری، ترکیبی از انتقاد و دفاع یا حمایت را پیشنهاد می‌کنند. انتقادات عموماً متوجه دینداری رایج، به‌ویژه دینداری‌های متعصبانه و محافظه‌کارانه‌تر است، مگر در مواردی که رد کامل مد نظر قرار دارد (مانند فروید). دفاع یا حمایت‌ها معمولاً از اشکال فردی، تجربه محور و انسان‌گرایانه دینداری صورت می‌گیرد. در مقابل رویکردهای تجربی معاصر اغلب - و نه همیشه - به دفاع از اشکال سنتی‌تر یا حتی محافظه‌کارانه‌تر دینداری می‌پردازد. روان‌شناسان تجربی دین، به جای تفسیر مجدد دین، به دنبال اثبات علمی تأثیر ارزش‌های مثبت دین در کنش‌وری انسان هستند (ولف، ۲۰۰۱، ص ۲۵ و ۲۶).

نگاه به آینده نشان می‌دهد الهی‌دان‌ها چنان‌که انتظار می‌رود نگران‌گرایش‌هایی هستند که دین را تا سر حد یک فرمول ساده تنزل داده و در عمل به تبیین ساده‌انگارانه آن بر مبنای برخی سازوکارهای روان‌شناختی می‌پردازد. در مقابل روان‌شناسان نیز به سبب نگاه تحقیرآمیز خود به دین، به هر نظریه یا تحقیقی که به ارزشمندی دین صحه‌گذارد و یا از آن حمایت کند، بدگمان هستند. به نظر می‌رسد که دیدگاه هر دو گروه تا اندازه‌ای بر اساس نگرش آنان موجه است. روان‌شناسان دین به ندرت مانند محققان بی‌طرف عمل می‌کنند.

آنها بیشتر در پی حمایت از دیدگاه‌هایی خاص، مثبت یا منفی در مورد دین هستند و این امر، ریشه در حساسیت‌ها و تجارب آنها دارد (همان، ص ۲۶).

اگر از تعمیم این داوری و لف صرف نظر کنیم می‌توان با وی هم‌داستان شد که بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد، به هر حال، با این مقدار از تاریخچه روان‌شناسی دین، می‌توان جایگاه برجسته ویلیام جیمز را در روان‌شناسی دین با رویکرد تجربی و بیشتر توصیفی و تفسیری بازشناخت، هر چند جیمز در سنت انگلیسی - امریکایی، موقعیت ویژه‌ای دارد، اما نگاه تفسیری وی نیز جایگاه ممتازی مقارن با انسان‌گرایان به وی داده است. در این قسمت به طور خاص به زندگی و آثار جیمز خواهیم پرداخت.

### زندگی‌نامه ویلیام جیمز<sup>۱</sup>

ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰) بزرگ‌ترین فرزند هنری جیمز بود که در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمد. پدرش در محیط پروتستانی کالون‌گرا رشد یافته بود و بر اثر آشنایی با آثار سوئد نبرگ<sup>۲</sup> - عارف بزرگ سوئدی - خود را وقف مطالعه و تبلیغ آثار مذهبی وی کرده بود. اجدادش نیز از مهاجران ایرلندی و بسیار ثروتمند بودند. پدرش مردی ادیب، نویسنده‌ای متفکر و شخصیتی پرجاذبه بود. بدین طریق، جیمز در محیطی با فرهنگ پرورش یافت (خانلری، ۱۳۷۵، ص ۴۱۰)، هر چند پدر دائم در سفر بود، اما امکانات تحصیلی مناسبی را در اختیار فرزندانش قرار داده بود و آنان را به مدارس خصوصی شبانه‌روزی در اروپا فرستاد. جیمز زبان‌های بسیاری را فراگرفت و دیدی وسیع و جامع درباره زندگی پیدا نمود. ابتدا تصمیم گرفت نقاش شود، اما دیری نپایید که تصمیم خود را تغییر داد و در سال ۱۸۶۱ به دانشکده علوم لاورنس<sup>۳</sup> راه یافت. ابتدا قصد تحصیل در شیمی داشت، سپس به زیست‌شناسی متمایل شد و سرانجام به پزشکی رسید. در سال ۱۸۶۹، مدرک پزشکی خود را از دانشگاه هاروارد<sup>۴</sup> اخذ کرد و چهار سال بعد به عنوان استاد آناتومی و فیزیولوژی به این دانشگاه بازگشت. به تدریج به رشته روان‌شناسی علاقه‌مند شد و در سال ۱۸۷۶ نخستین آزمایشگاه روان‌شناسی را در ایالات متحده امریکا تأسیس نمود، اما سرانجام ویژگی‌های شخصی‌اش

1. James, W.

2. Swedenborg, E.

3. Lawrence

4. Harvard

او را به فلسفه کشاند و در سال ۱۸۸۱ به عنوان استاد فلسفه در دانشگاه هاروارد تدریس کرد. فردی خون‌گرم و معاشرتی بود و در دیگران ایجاد علاقه و احترام می‌نمود. او یک فیلسوف عمل‌گرا<sup>۱</sup> و یک روان‌شناس تجربی واقع‌گرا بود. دانشمندی آگاه که در مدت حیات پربار خویش، همواره به تحقیق و مطالعه اشتغال داشت و به فعالیت‌های فلسفی، علمی و تحقیقی می‌پرداخت. وی همواره به انسان‌ها تعلیم می‌داد که چگونه باید در زندگی استوار باشند و قلب‌های خویش را مطمئن و آرام نگه دارند، اما سلامت جسمانی خودش رو به ضعف گرایید، در سال ۱۹۰۷ از فعالیت‌هایش در دانشگاه هاروارد کناره‌گیری کرد و سرانجام در سال ۱۹۱۰ دیده از جهان فرو بست (با اقتباس از فردریک<sup>۲</sup>، ۱۹۶۴، ص ۳۳۱). ویلیام جیمز در وهله اول روان‌شناس بود، اما به دو مناسبت در فلسفه نیز اهمیت دارد، یکی از جهت نظریه تجربه‌گرایی اساسی<sup>۳</sup> و دوم از جهت آنکه یکی از سه تن طراحان نظریه موسوم به عمل‌گرایی<sup>۴</sup> بود. جیمز در اواخر عمر چنان‌که شایسته بود، به نام فیلسوف تراز اول امریکا شناخته می‌شد (راسل<sup>۵</sup>، ۱۳۶۵، ص ۱۱۰۵).

آثار جیمز فراسوی نمایندگان مکتب انسان‌گرایی است که بر تجربه فردی تأکید می‌کند و تمایلی به استفاده از مفاهیم یا نظریه‌های تبیینی ندارد، هر چند جیمز در مجموع نتوانسته از جست‌وجوی برای قواعد کلی ناظر به ریشه‌های روانی دست بکشد، تأکید وی در آثار خود، به‌ویژه بر تجربه منحصر به فرد افراد است (ولف، ۱۹۹۱، ص ۴۶۷).

## آثار

کتاب اصول روان‌شناسی<sup>۶</sup> وی (۱۸۹۰) یک اثر کلاسیک است که میان روان‌شناسی فلسفی قرن نوزدهم و روان‌شناسی علمی قرن بیستم، نوعی ارتباط برقرار می‌کند. این کتاب بی‌شک از ادیبانه‌ترین و برانگیزاننده‌ترین کتب روان‌شناسی است که تاکنون در زبان انگلیسی پدید آمده و از واضح‌ترین کتاب‌های روان‌شناسی آن زمان بوده است (مک لود، ۱۹۶۹)، جالب اینکه چاپ این کتاب ۱۴۰۰ صفحه‌ای که تولید آن دوازده سال طول کشید و مقدر بود که یکی

1. Pragmatic

3. Radical empiricism

5. Russell, B.

2. Fredrick, M.

4. Pragmatism

6. The Principles of Psychology



از آثار مهم ماندگار در سنت فکری غرب بشود، بیانگر پایان سلطه روان‌شناسی در زندگی جیمز [به عنوان فعالیت علمی - رسمی وی] بود، پس از آن به فلسفه روی آورد و روی نظریه‌های پراگماتیسم و تجربه‌گرایی اساسی کار کرد (ولف، ۱۹۹۱، ص ۴۷۳). کتاب اصول روان‌شناسی جیمز وقتی منتشر شد، به عنوان رساله در دانش معاصر تلقی شد و بیشتر آن بر اساس تحقیقات خودش بود که قبلاً چاپ شده بود. این اثر همچنین عناصر اصلی فلسفه جیمز را دربردارد و یک شاه‌کار ادبی است. هنگامی که این کتاب در دهه ۱۹۵۰ دوباره مطرح شد، منتقدان در مجله‌های روان‌شناسی از آن به عنوان یک اثر الهام‌بخش و آموزنده یاد کردند (بارزون، ۱۹۸۶، ج ۷، ص ۵۱۷). این کتاب در سال ۱۸۹۲ نیز در شکل مختصرتر به چاپ رسید. جیمز کتاب اراده معطوف به باور و جستارهای دیگر در فلسفه مردم‌پسند<sup>۲</sup> را در سال ۱۸۹۷ منتشر ساخت، این کتاب ابتدا به عنوان مقاله مستقل چاپ شد که اولین گزارش پخته وی درباره ماهیت ایمان بود و بحث ایمان دینی را شامل می‌شد. کتاب‌های بعدی‌اش جاودانگی انسان: دو اعتراض فرضی به مکتب<sup>۳</sup> (۱۹۸۸)، گفت‌وگوهایی با معلمان در زمینه روان‌شناسی<sup>۴</sup> (۱۸۹۹)، انواع تجربه دینی: مطالعه‌ای در سرشت انسان<sup>۵</sup> (۱۹۰۲)، پراگماتیسم: نامی نوین برای برخی شیوه‌های کهن اندیشه<sup>۶</sup> (۱۹۰۷)، معنای حقیقت: تکمله‌ای بر پراگماتیسم<sup>۷</sup> (۱۹۰۹) و جهان کثرت‌انگاره<sup>۸</sup> (۱۹۰۹) در زمان حیات وی منتشر شدند. پس از وفاتش نیز کتاب‌های برخی مسائل فلسفه<sup>۹</sup> (۱۹۱۱)، جستارهایی در تجربه‌گرایی اساسی<sup>۱۰</sup> و مجموعه مقالات و بررسی‌ها<sup>۱۱</sup> (۱۹۱۲) به چاپ رسید؛ البته مجموعه آثار وی در هفده جلد در سال‌های (۱۹۷۵-۱۹۸۸) با ویرایش فردریک بورکهارت<sup>۱۲</sup> و همکارانش در دانشگاه هاروارد منتشر شد.<sup>۱۳</sup> مجموعه نامه‌های

1. Barzun, J.

2. The Will to Believe and other Essays in Popular philosophy

3. *Human Immortality: Two Supposed Objections to the Doctrine*

4. *Talks to teachers on Psychology*

این کتاب با همان عنوان فوق در سال ۱۳۷۹ به وسیله آقای سید شمس‌الدین هاشمی در دانشگاه اراک ترجمه شد.

5. *The Varieties of Religious Experience: A Study in Human Nature*

6. *Pragmatism: A New name for some Old Ways of Thinking*

7. *The Meaning of Truth: A sequel to "pramatis"*

8. *A Puralistic Universe*

9. *Some Problems of philosophy*

10. *Essays in Radical Empricism*

11. *Collected Essays and Studies*

12. Burkhardt, F. H.

13. The Works of Willam James

وی نیز با ویرایش فرزندش هنری جیمز (۱۹۲۶) به چاپ رسید (به نقل از پوتنام،<sup>۱</sup> ۱۹۹۷ ص ۳۸۴؛ بارزون ۱۹۸۶ ص ۵۱۷ و کاپلستون<sup>۲</sup> ۱۳۶۲ ج ۸ ص ۳۶۲).

### کتاب انواع تجربه دینی

ویلیام جیمز از شخصیت‌های ماندگار تاریخ است که گستره وجودی او نه در کشور خودش محصور ماند و نه در زمان خودش محدود گشت، بلکه زمان‌ها و زمین‌ها را درنوردید و حتی در چارچوب رشته‌های فلسفه و روان‌شناسی نیز تأثیرات وی صرفاً باقی نمانده و به عرصه‌های دیگر نیز سرریز شده است. پوتنام (۱۹۹۷) در ضمیمه کتاب راهنمای کمبریج درباره ویلیام جیمز<sup>۳</sup> بیش از ۲۲۰ اثر را بیان کرده که به گونه‌ای درباره ویلیام جیمز سخن گفته‌اند و یا از وی تأثیر پذیرفته‌اند. از آنجا که در این پژوهش، بیشتر کتاب انواع تجربه دینی محور بحث است، بر آن متمرکز می‌شویم. جرمی کارت<sup>۴</sup> (۲۰۰۵، ص ۲۱) نموداری ترسیم کرده و در آن، به‌ویژه تأثیرات کتاب انواع تجربه دینی را در قرن بیستم در شانزده رشته علمی مختلف و بر اندیشمندان و نویسندگان گوناگون نشان می‌دهد.

با توجه به جایگاه این کتاب در روان‌شناسی دین و به‌ویژه در پژوهش ما، در این بخش مقدمه، نگاه دقیق‌تری به آن خواهیم داشت. کتاب انواع تجربه دینی، تعهدی است که وی در قبال پدرش - چند روز پس از مرگ پدر در نامه‌ای به همسرش بیان می‌کند که باید به من کمک کنی تا بتوانم ارزش و معنای دین را در برداشت پدرم بفهمم... (ولف، ۱۹۹۱، ص ۴۷۶) - پس از گذشت زمان تقریباً بیست سال به انجام آن موفق گردید. این کتاب پس از چند هفته از آخرین سخنرانی وی در گیفورد<sup>۵</sup> به بازار آمد و چنان شهرت یافت که فقط در اولین سال، شش مرتبه تجدید چاپ گردید، در حالی که مترجمان کتاب درصدد عرضه آن برای مخاطبان بیشتر می‌بودند، منتقدان در هر دو نوع مجله‌های علمی و عمومی، آن را به عنوان اثر عمده‌ای، با درک عمیق و ارزش والا تکریم کردند. این کتاب در بسیاری از جهات همانند خود جیمز است، از نظر تأکید بر فردیت و احساسات، در فهم هم‌دلانه رنج

1. Putnam, R. A.

2. Copleston, F.

3. *The Cambridge Companion to Willam James* 4. Carrette, J.

5. Gifford



بشری و در بی‌قاعدگی و برتری حقیقت سرشار از حیات بر صورت‌بندی‌های انتزاعی (همان، ص ۴۷۷)، این رساله تمام عیار ممکن است به عنوان جلد سوم کتاب اصول روان‌شناسی [که در ابتدا به صورت دو جلدی چاپ شد] محسوب شود؛ زیرا جیمز حرکت جسورانه‌ای برای عرضه دیدگاهی عقل‌گرایانه از واقعیت دین، به مستمعانی که به پارسایی و محافظه‌کاری شناخته شده بودند برداشت. این کار مخاطره‌آمیزی در آن زمان موفقیت‌آمیز بود، و این کتاب از آن هنگام تا کنون، هرگز از گردونه چاپ خارج نشد [آخرین چاپ آن که مورد استفاده نویسنده این سطور قرار گرفته، به سال ۲۰۰۲ مربوط است]. یکی از دلایل موفقیتش این بود که جیمز هیچ‌گونه بنایی بر توجیه این موضوع (یعنی دین) نداشت، اما به آنچه «مادی‌گرایی پزشکی» می‌نامید نیز حمله می‌کرد، نوعی تقلیل‌گرایی که نومیدی دینی را مثلاً به نوعی سوء هاضمه و مانند آن اسناد می‌داد (بارزون، ۱۹۸۶، ج ۷ ص ۵۱۸).

علی‌رغم انسجام نداشتن و یک‌دست نبودن این کتاب، قابل توجه اینکه سلسله بی‌وقفه‌ای از دانشمندان از وی الهام گرفته‌اند و حتی بالاتر اینکه، علایق نسل حاضر - که در چاپ اخیر آثارش منعکس شده - در حد بالایی است که می‌توان گفت تجدید حیات یافته است. کشف دوباره آثار جیمز، به‌ویژه در میان طرف‌داران دیدگاه پدیدارشناسی آشکار است که او را از خودشان می‌دانند (نک: ادی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷، مک لود<sup>۲</sup> ۱۹۶۹ و اشپیلبرگ<sup>۳</sup> ۱۹۷۲ به نقل از ولف ۱۹۹۱، ص ۴۷۷).

کتاب انواع تجربه دینی سه چهره دارد: اول و آشکارتر از همه، اثری فلسفی ناظر به داوری معنوی است. جیمز در ابتدای سری دوم سخنرانی‌هایش می‌گوید: ما همه این تحقیق تجربی را که آغاز کردیم نه فقط برای گشودن فصلی غریب در تاریخ طبیعی آگاهی انسان، بلکه بیشتر برای به دست آوردن داوری معنوی درباره ارزش کلی و معنای تمامی شادی و رنج دینی است (جیمز، ۱۹۰۲، ص ۲۱۰).

دوم - این اثر صرفاً یک ارزیابی از ثمرات دین نیست، بلکه (به عنوان زیرفصل و نقش ثانوی) بررسی طبیعت انسانی نیز هست؛ بنابراین، کتاب انواع تجربه دینی به طور هم‌زمان - مستقل از موضوع اصلی مورد نظر مؤلف - اثری روان‌شناختی درباره داوری وجودی است.

1. Edie, J. M.

2. Mac Leod, R. B.

3. Spiegelberg, H.

سوم - چهره‌ای که به وفور می‌توان در این کتاب ملاحظه کرد موارد توصیفی است که جیمز اظهار می‌کند برای تحقق بخشیدن به وظیفه داور، آنها را جمع‌آوری کرده است. علی‌رغم این انگیزه ابراز شده، مواردی که مطرح می‌شوند تا روی شایستگی‌ها و غنای آنها محاسبه شود، بسیار فراتر از کلی‌گویی‌های کم‌ارزش است که درباره آن ساخته می‌شود.

البته این سه چهره کتاب از شخصیت چند وجهی جیمز سرچشمه می‌گیرد: «در مجموع، جیمز گوینده‌ای چند صدایی است اولاً: هنرمندی حساس و پدیدارشناسی پیش‌گام است که درصدد کاوش فهم از طریق تجربه منحصر به فرد افراد است. ثانیاً: دانشمندی تجربی و روان‌شناسی تبیین‌گراست که در خصوص ریشه‌های امور کنجکاو و تحت تأثیر قانونمندی‌های طبیعت است و البته نسبت به صلاحیت روان‌شناسی برای پی بردن به روابط علی‌مشکوک است، و بالاخره جیمز یک پروتستان آزادی‌خواه و فیلسوف عمل‌گراست - که نسبت به انواع جزم‌گرایی ناشکیبا بود و با وجود این، بدون شرمندگی از طریق عقل سلیم هدایت می‌شد و به اعتراف خودش تحت تأثیر پیش‌داوری‌های فلسفی بود - همو به خاطر داوری‌اش درباره ارزش دین برای زندگی بشر، به طور کلی مورد هجمه قرار گرفته است. در زمانی که اشخاص در حد بالایی مهر سکوت بر لب نهاده بودند، جیمز اولین کسی بود - که به اعتراف جنوای<sup>۱</sup> روان‌شناس - موفق شد حصارها را بشکند» (ولف، ۱۹۹۱، ص ۴۷۹).

جیمز در این کتاب سعی کرده دینداری سنتی و نگاه علمی روان‌شناختی به دین را به گونه‌ای با هم جمع کند. به گفته استراوت<sup>۲</sup> (۱۹۷۱ به نقل از ولف، ۱۹۹۱، ص ۴۹۴)، کتاب انواع تجربه دینی، مصالحه استادانه‌ای است میان الهیات جزمی و عرفانی پدرش (که جیمز قبلاً در سال ۱۸۸۵ ویرایش کرد و به چاپ رساند) و دیدگاه علمی و روان‌شناختی خودش. جیمز خودش نیز در پیش‌گفتار کتاب به این هدف و دو جنبه خاص، با بیان دیگری اشاره می‌کند:

«مباحث کتاب به دو دسته ۱۰ تایی (یعنی ده سخنرانی) قابل تقسیم است که هر یک به یک موضوع می‌پردازد: اول - گرایش‌های دینی انسان که جنبه توصیفی دارد. دوم - رضایت خاطر از طریق فلسفه که جنبه متافیزیکی دارد، اما رشد غیر قابل انتظار مباحث روان‌شناختی موجب شده که موضوع دوم کاملاً به وقت دیگری موکول شود و توصیف از

1. Geneva

2. Strout, C.

سرشت دینی انسان در حال حاضر، همه بیست سخنرانی را فراگرفته، به جهت آنکه آشنایی بسیار زیاد با نمونه‌ها، اغلب بیش از دانستن قواعد انتزاعی ما را آگاه می‌سازد، من از مثال‌های ملموس زیاد استفاده کرده‌ام و اینها را در میان اظهارات کرانه‌ای از سرشت دینی افراد گنجانده‌ام. برخی خوانندگان در میانه کتاب ممکن است موضوع برایشان به صورت کاریکاتوری باشد، اما اگر حوصله به انتها رساندن کتاب را داشته باشند، این برداشت نامطلوب رخت برخواهد بست؛ زیرا من تمایلات دینی را با اصول عقل سلیم در هم آمیخته‌ام که به عنوان ترمیم‌کننده گزافه‌گویی‌ها عمل می‌کند و به خواننده اجازه می‌دهد که نتایج را آن‌گونه که می‌خواهد تعدیل کند» (جیمز ۲۰۰۲، ص ۵).

هر چند جیمز نتوانست طرح اولی خود را کامل کند، کتاب انواع تجربه دینی آن‌گونه که ما می‌یابیم، غنی و پیچیده است، غنا و پیچیدگی کتاب، افزون بر اینکه از شخصیت عمیق نویسنده نشأت می‌گیرد، همچنین از کارکرد عناصر متمایز زیر است: اول - گزارش‌های دست اول فراوان از تجربه دینی دوم - توصیف روان‌شناختی جیمز از این گزارش‌های مستند سوم - ارزیابی‌های فلسفی گاه و بیگاه از معنای گزارش‌ها و تفسیرهای روان‌شناختی.

### مبانی فکری و نظری جیمز

شخصیت‌های برجسته‌ای چون ویلیام جیمز، دیدگاه‌ها و نظریه‌هایشان از یک مبانی نظری روشنی سرچشمه می‌گیرد و به طور معمول دارای یک نظام فکری منظمی هستند؛ به همین دلیل، اشاره کوتاهی به مبانی فکری و نظری جیمز، ما را در فهم عمیق‌تر دیدگاه‌های وی در زمینه روان‌شناسی دین کمک می‌کند. این مبانی را به اختصار می‌توان در سه بخش دینی، فلسفی و علمی ترسیم نمود:

#### ۱. علایق دینی

در پس زمینه عناوین متفاوت آثار دانشگاهی و منشورات عالمانه، یکی از علایق همیشگی جیمز قرار داشت و آن چیزی جز دین نبود، اگرچه در واقع بزرگ‌ترین علاقه وی در زندگی‌اش نبوده - چنان‌که در نامه‌ای به هنری رانکین<sup>۱</sup> در سال ۱۸۹۷ می‌نویسد (به نقل از

1. Rankin, H.